حادثه‌ها

۷ کشته بر اثر واژگونی اتوبوس ولوو در جاده برفی اصفهان-تهران

● یک دستگاه اتوبوس مسافربری ولوو حوالی ساعت سه بامداد دیروز در کیلومتر ۴ جاده اصفهان-تهران واژگون شد که این حادثه تاکنون هفت کشته و سه مصدوم داشته است. شش نفر در محل حادثه جان باختند و یک نفر از جان‌باختگان به علت شدت آسیب‌دیدگی در بیمارستان فوت شد. اعلام علت حادثه نیازمند تحقیقات بیشتر است. نکته قابل‌توجه اینکه در زمان حادثه سطح جاده لغزنده بوده است.

قتل مرد ۵۰ ساله با شلیک گلوله

● مردی میان‌سال که در طلحه دشتستان مورد سوءقصد افراد ناشناس قرار گرفت، جان خود را از دست داد. سرهنگ سیدجواد رضوی، فرمانده انتظامی دشتستان استان بوشهر، اظهار کرد: یکشنبه مرد ۵۰ ساله‌ای جلوی درِ منزلش از پشت‌سر هدف گلوله سه سرنشین خودروی پراید قرار گرفت و متأسفانه با وجود انتقال به درمانگاه و تلاش کادر پزشکی جان باخت. این مقام انتظامی بیان کرد: تحقیقات نیروی انتظامی برای دستگیری قاتل یا قاتلان شروع شده است.

انهدام باند سرقت منزل

● فرمانده انتظامی استان گلستان از انهدام باند سرقت منزل و اعتراف آنان به ۳۵ فقره سرقت خبر داد. سردار «علی‌اکبر جاویدان» گفت: مأموران اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی اواخر هفته گذشته پس از مدت‌ها کار اطلاعاتی موفق به دستگیری اعضای یک باند بزرگ سرقت منزل شدند. وی گفت: اعضای این باند به صورت گروهی و در مناطق مختلف استان اقدام به سرقت لوازم خانگی، طلا و جواهرات، اسناد و مدارک هویتی می‌کردند که در آخرین سرقت در شهر «فاضل‌آباد» دستگیر شدند. فرمانده انتظامی استان گلستان ادامه داد: متهمان تاکنون به ۳۵ فقره سرقت اعتراف کرده‌اند. این مقام انتظامی ادامه داد: در بازرسی از مخفیگاه آنها در شهر فاضل‌آباد انواع وسایل و لوازم خانگی سرقتی کشف شد. سردار جاویدان با اشاره به اینکه تاکنون سه نفر از اعضای این باند دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شده‌اند، گفت: با تلاش مأموران از صحنه‌های سرقت بازسازی صحنه صورت گرفت و تحقیقات درباره شناسایی و دستگیری دیگر اعضای این باند ادامه دارد.

گفت‌وگو با پدر متهم به قتل نیازمند کمک

می‌خواستم کلیه‌ام را برای پرداخت دیه، بفروشم

شرق: مردی که در جریان یک نزاع و به‌صورت ناخواسته مرتکب قتل شده و از ۲۳ سال قبل در زندان به‌سر می‌برد، همچنان در انتظار کمک‌های مردمی است تا بتواند دیه مقتول را بپردازد. فتح‌الله عبدلی پدر شعبانعلی - متهم ۴۱ ساله- نیز چشم‌انتظار پسرش است تا پس از آزادی عصای دستش باشد. در ادامه مصاحبه با این پدر را می‌خوانید.

شعبانعلی در کنار تابلوهای اهدایی به حرم امام حسین(ع)

چطور مطلع شدید که پسرتان مرتکب قتل شده است؟

من آن موقع پاسدار بودم و سر خدمت، زنگ زدند و دو نفر آمدند سراغم، گفتند برای پسرت اتفاقی افتاده و در بیمارستان است، باید به دیدنش بروید. تهران که آمدم به شاه‌عبدالعظیم و بعد دفتر آگاهی رفتم آنجا دو، سه لیوان چایی آوردند و بعد گفتند این‌طور که به شما گفته‌اند، نیست و بعد که صحبت کردند فهمیدم پسرم کارگر آن مرحوم بوده و این مسئله پیش آمده و پسرم مرتکب قتل شده و پرونده هم در حال رسیدگی است و در نهایت به دیوان عالی کشور می‌رود که به احتمال زیاد حکم قصاص به او می‌دهند. بعد از آن اجازه خواستم با «شعبانعلی» صحبت کنم، گفتند اشکالی ندارد. وقتی او را دیدم، پرسیدم جریان چیست؟ گفت خودم هم نمی‌دانم به خدا. دروغ‌گو دشمن خدا و پیغمبر است. پسرم گفت: به مقتول که برایش کار می‌کردم گفتم به من کمی پول بده بروم به خانواده‌ام سر بزنم که او به من گفت دستم تنگ است برو هفته دیگر بیا، هفته بعد که سراغش رفتم، گفت تو اینجا بودی و نان خوردی پول هم می‌خواهی؟ بعد هم چاقو کشید و من هم از ترس ساطوری که آنجا بود برداشتم و پرتاب کردم.

پسرم بعد از این اتفاق فرار کرده بود، چند روزی در «دورود» و «ازنا» بوده و در روزنامه‌ها خوانده بود که آن بنده خدا فوت شده است برای همین به کلانتری رفته و خودش را معرفی کرده بود. او می‌گفت من پسر خوبی برای تو نبودم و باید اعدامم کنند، اما او پسر خوبی بود روزه می‌گرفت، نماز می‌خواند و حتی وقتی میهمان می‌آمد می‌گفتیم یک مرغ را سر ببر این کار را نمی‌کرد، چون می‌گفت بال‌بال می‌زند و من طاقتش را ندارم. خلاصه او در این مدت زندان بود و ما اینجا. سال‌ها گذشت تا اینکه سال گذشته یک‌دفعه زنگ زدند و گفتند که بیایید می‌خواهیم او را اعدام کنیم، اما اعدام نکردند و امسال هم دوباره همین‌طور شد و در نهایت گفتند که به «ابوالفضل عباس(ع)» بخشیده‌اند. چند وقت بعد از اجرای احکام به ما زنگ زدند و گفتند اولیای‌دم دیه می‌خواهند و باید ۲۱۰ میلیون تومان پول بدهید، من هم گفتم خودم پول ندارم اما شده قرض کنم می‌توانم صد میلیون تومان فراهم کنم؛ اما خدا گواه است فرش زیر پایم، یخچال و گاز و تلویزیونم را فروختم ولی مبلغ کمی فراهم شد و دو، سه دامادم هم که کارگر هستند کمکم کردند و دست آخر شد ۲۶ میلیون تومان.

بعد هم اجرای احکام به من دو، سه نامه داد که ببرم پیش خیران که به من کمک کنند اما کسی کمک نکرد، هرچه به این در و آن در زدم نتیجه نداد. الان هم که این حرف‌ها را می‌زنم نمی‌خواهم شما را ناراحت کنم اما به خرم‌آباد هم رفتم کلیه‌ام را بفروشم اما گفتند تو سنت بالاست از زیر این عمل زنده بیرون نمی‌آیی خلاصه هر کاری کردم نتیجه نداد و الان هم امیدم به خداست و بعد هم خیرانی که برای رضای خدا می‌خواهند کمک کنند. خدا شاهد است مستأجرم و یک پسر دارم که معلول ذهنی است و دو دختر که گردنم هستند و یک همسر پیر شاید ۴۰، ۵۰ روز است که گوشت به دهانشان نخورده است.

شما چند سالتان است و شغلتان چیست؟

در شناسنامه نوشته است متولد ۱۳۲۷، تا قبل از این اتفاق در مناطق جنگی در سپاه خدمت می‌کردم ولی بعد از این مسئله استعفا دادم تا در کنار خانواده باشم. بعد از استعفا کارگری می‌کردم الان هم که پیر شده‌ام و با چماق راه می‌روم.

چه مدت بود پسرتان به تهران رفته بود که این اتفاق افتاد؟

می‌دانستید شب‌ها کجا می‌ماند و چه می‌کند؟

یک‌سالی بود که رفته بود. دقیقا نمی‌دانم کجا بود اما می‌دانم کارگری می‌کرد و انگار مدتی را در همان مغازه کبابی که در آنجا مرتکب قتل شده بود می‌ماند. من پایم لب گور است، معلوم نیست امروز بمیرم یا فردا و اینهایی که می‌گویم پسرم برایم تعریف کرد که آن مرحوم آدم شریفی بود و از او خیلی تعریف می‌کرد و می‌گوید نمی‌دانم چه شد این اتفاق افتاد.

الان می‌خواهید چه‌کار کنید؟

نمی‌دانم، دست دعا به درگاه خدا دارم و امیدم بعد از خدا و به دولت است که گفته کمک می‌کند و به خیران هم که می‌خواهند کمک کنند، امید دارم. من خیلی هنر کنم یک لقمه نان بیاورم برای این پیرزن و خودم و دو دختر و پسر معلولم. از خیران می‌خواهم به خاطر خدا کمک کنند. از هرکسی که پسر من را می‌شناسد بپرسید در دبستان و راهنمایی او اصلا اهل دعوا نبود، همه همسایه‌ها او را آدم مؤمنی می‌دانند نمی‌دانم چرا این‌طور شد. من یک لقمه نان حرام هم سر سفره نیاوردم. باور کنید اگر یک لقمه نان خالی هم سر سفره ما می‌آورد از او می‌پرسیدم از کجا آوردی. به‌هرحال اتفاقی است که افتاده و من هم خیلی ناراحت هستم.

آیا برای رضایت به خانه مقتول رفتید؟

بله، چند بار رفتیم، با سه دخترم و همسرم و دو خانم دیگر از فامیل‌ها رفتیم و قرآن بردیم و به آنها التماس کردیم گفتیم به خاطر قرآن ببخشید، با اعدام پسر من چه می‌شود؟ در نهایت خانواده آن مرحوم هم که آدم‌های خوب و مؤمنی بودند گفتند که عفو می‌کنند از این بابت از آنها خیلی ممنونم، البته من همه اولیای دم را ندیدم اما دو، سه نفر از آنها را که دیدم افراد مؤمن و شریفی بودند.

افرادی که می‌خواهند به شما و پسرتان کمک کنند چطور می‌توانند این کار را انجام دهند؟

از خیران می‌خواهم مبالغشان را به شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۷۴۴۳۵۶۸۲۹ در بانک ملی به نام زینب عبدلی که متعلق به دخترم است واریز کنند، خواهش می‌کنم هرکس می‌خواهد کمکم کند به این کارت پول واریز کند. البته مبلغ هفت‌میلیون و ۵۰۰ تومان از هفته گذشته که مصاحبه پسرم در روزنامه شما چاپ شد به حساب دخترم واریز شده است، اما هنوز خیلی پول تا رقم درخواستی اولیای دم فاصله است.

پلیس در تعقیب ۲ سارق نقاب‌پوش

سارقان خشن وقتی سراغ طعمه‌شان رفتند، بالشتی بین سر یکی از مال‌باختگان و اسلحه‌شان قرار دادند و از او خواستند آخرین وصیت خود را انجام دهد. دزدان به او گفتند فردی یک‌میلیارد داده است تا او را بکشند. مأموران کلانتری نیاوران بامداد ۲۱ دی‌ماه در جریان یک فقره سرقت قرار گرفتند و به محل رفتند. بنابر گفته شاهدان صحنه، دو دزد وارد خانه‌ای در آپارتمان ۱۰ واحده‌ای شده بودند و وقتی وسایل خانه را به‌همراه یک خودروی BMW دزدیده بودند با کتک‌زدن دو مال‌باخته که در خانه حضور داشتند از محل متواری شدند. مال‌باختگان دو برادر بودند که به دلیل جراحت‌های وارده از شب واقعه به پزشکی‌قانونی رفته و نامه خود را نیز به بازپرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت، قاضی رسولی، تحویل دادند. آنها مدعی بودند،حوالی ساعت ۳:۳۰ صبح، دو مرد نقابدار وارد خانه‌شان شدند و بعد از اینکه با چاقو و اسلحه گرم به جانشان افتادند، تمامی جواهرات، پول‌ها، ارز خارجی و وسایل ارزشمند و یک خودروی BMW را سرقت کردند. شکات در تشریح حادثه به بازپرس گفتند: آن شب هر دو سارق درحالی‌که کلید داشتند، وارد خانه شدند و قبل از اینکه متوجه ورود غیرقانونی‌شان شویم، با ضرب و زور چاقو دست و پایمان را بستند. هنوز هم آن لحظه‌ها را از یاد نمی‌بریم و آنها درحالی‌که می‌دیدند از دست و پای ما خون می‌رود، می‌گفتند باید جای دلارها و پول‌هایتان را بگویید. بنابر اطلاعات پرونده، دزدان دو برادر را تهدید به مرگ کرده بودند، درحالی‌که برادر بزرگ‌تر از آنها تقاضای سجاده نماز کرده بود تا بتواند نماز آخرش را بخواند و بعد از آن دزدان چندبار او را مجبور کرده بودند اشهد خود را بخواند تا او را بکشند. دزدان پس از اینکه برادر کوچک‌تر موفق شده بود خودش را رها کند و با فریادهای دزد دزد! همسایه‌ها را از ماجرا باخبر کند، متواری شدند. تحقیقات برای دستگیری متهمان همچنان در جریان است و کارآگاهان شعبه یکم اداره آگاهی مرکز در حال انجام عملیات شناسایی برای بازداشت متهمان هستند.

رخداد

دستگیری سارقان داخل خودرو

● دو سارق حرفه‌ای که اقدام به سرقت قطعات داخل خودرو می‌کردند، در عملیات کارآگاهان پلیس آگاهی دستگیر شدند و به ۵۰ فقره سرقت به ارزش ۵۰۰ میلیون ریال اعتراف کردند. سرهنگ «ستار خسروی»، رئیس‌پلیس آگاهی استان اصفهان، گفت: در پی شکایت شهروندان مبنی بر سرقت قطعات داخل خودرو، شناسایی سارق یا سارقان در دستور پلیس قرار گرفت. وی افزود: با بررسی کارآگاهان مشخص شد دو سارق با پرسه‌زنی اقدام به سرقت از داخل و صندوق عقب خودروهای پارک‌شده می‌کنند که با اقدامات پلیسی دستگیر شدند. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه در تحقیقات صورت‌گرفته، سارقان به ۵۰ فقره سرقت از داخل خودرو همشهریان به ارزش ۵۰۰ میلیون ریال اقرار کردند، افزود: براساس اعترافات متهمان، آنان اکثرا خودروهای فاقد تجهیزات ایمنی و دزدگیر را شناسایی و از آنها سرقت می‌کردند.

تصادفات ساختگی شگرد باند کلاهبرداری از بیمه‌ها

● رئیس‌پلیس آگاهی استان البرز از شناسایی و دستگیری اعضای باند کلاهبرداری در ماهدشت کرج که با ایجاد تصادف ساختگی از شرکت‌های بیمه خسارت می‌گرفتند، خبر داد. سرهنگ «جواد صفایی» گفت: مأموران پلیس آگاهی در پی دریافت گزارشی از یکی از شرکت‌های بیمه مبنی بر دریافت یک فقره پرونده مشکوک به تصادف که ادعای دریافت خسارت از بیمه را دارند، رسیدگی و پیگیری موضوع دراین‌باره را در دستور کار خود قرار دادند. وی افزود: در بررسی‌های تکمیلی مأموران مشخص شد که راننده یک دستگاه خودرو پیکان پس از برخورد با یک عابر پیاده و شکستن دست‌وپای مصدوم با مراجعه به شرکت بیمه قصد دریافت خسارت را دارد. این مقام انتظامی افزود: پرونده به منظور بررسی صحت و سقم موضوع تحت بررسی قرار گرفت تا اینکه مشخص شد تصادف واقعی نبوده و راننده با کمک اعضای باندی که دراین‌باره تشکیل شده بود با شکستن دست‌وپای یکی از افراد این باند به وسیله واردکردن ضربات پتک با صحنه‌سازی تصادف در منطقه ماهدشت کرج قصد تبانی و گرفتن خسارت از شرکت بیمه را دارد. سرهنگ صفایی گفت: با تلاش و پیگیری مأموران، هر چهار نفر از اعضای باند در چندین عملیات غافلگیرانه دستگیر و به تصادف ساختگی و صوری برای دریافت خسارت از بیمه اعتراف کردند.

چگونه عربی کنکور سراسری را ۱۰۰ درصد زدم؟!!!

چگونه «پنج بار» عربی کنکور سراسری را صد در صد زدم؟! من را می‌شناسید؟! من سعید زلوحی جوکار هستم! همون کسی که معدل ۱۳ داشت و بهش می‌گفتن نمیتونی نتیجه بگیری! همون کسی که رتبه ۱ استان شد! ۵ بار در کنکور سراسری عربی را صد در صد زد و در ۱۸ سالگی کتاب نوشت و جوانترین مولف عربی کنکور ایران شد!!! زمانی را یادم می‌آید که درس خوندن را دوست نداشتم و کنکور برایم سخت بود و قبل خیلی از داوطلبان استرس زیادی داشتم! اما شاید سؤال کنید پس چگونه توانستی رتبه ۱ استان شوی و عربی را صد در صد بزنی؟! بعد از اینکه با استاد حسین احمدی آشنا شدم و DVDهای آموزشی و برنامه‌ریزی درسی از ایشان گرفتم نسبت به کنکور عوض شد و چون ۲۵ مرد مستقیم استاد بودم تمام تکنیک‌های تست زدن را یاد گرفتم و به راحتی در کنکور سراسری ۸۹ عربی را ۱۰۰٪ زدم و بعد از اینکه عکس و مقاله‌ام در مجلات چاپ شده و از روی حسادت به اداره ارشاد تلفن زدند بودند که این همه تبلیغات و همین باعث شد که همراه استاد احمدی به اداره ارشاد بروم و من در آنجا اصل کارنامه را نشان دادم و در آنجا از من تقدیر شد و به من پیشنهاد شد که کتابی بنویسم برای داوطلبان کنکور و تجربیات خودم را منتقل کنم و من علاوه بر نوشتن کتاب تصمیم گرفتم سال بعد مجدد در کنکور سراسری ۹۰ شرکت کنم و به همه ثابت کنم که تکنیک‌های اصیل را بلدم! ۱ سال بعد دوباره شرکت کردم و باز هم عربی کنکور سراسری را صد در صد زدم! بعد از آن توانستم این تکنیک‌ها را به داوطلبان کنکور آموزش دهم و چندین داوطلب را به رتبه‌های برتر کنکور برسانم که عنوان باز آنها خانم فاطمه حسنی از کرمانشاه بود که از رتبه ۱۲۰ هزار به رتبه ۴ کنکور و ۸ کل کشور رسید با بنده تماس و مشاوره بنده! اگر هم بعضی‌ها می‌گفتند که این تکنیک‌ها قدیمی شده و در کنکور سراسری ۹۴ جواب نمی‌دهد ولی من تصمیم گرفتم در کنکور ۹۴ شرکت کنم و به همه ثابت کنم که نه تنها این تکنیک‌ها قدیمی نشده بلکه قوی‌ترین و به روزترین تکنیک‌های موجود است و هرکس که این تکنیک‌ها را بداند براحتی می‌تواند به درصد ۱۰۰ برسد. به لطف خداوند بنده در کنکور سراسری ۹۴ توانستم سربار با هم عربی عمومی انسانی و عربی اختصاصی رشته عربی رشته هنر را صد در صد بزنم و در مجموع در درس عربی ۵ صده باشم و رکورد شکنی کنم! البته این کار من انگیزه بود از کار استاد احمدی که عربی را دیگر بار در دانشگاه تهران ۲۰ گرفته بود و من هم تلاش کردم و به لطف خداوند به این موفقیت رسیدم. من خودم تکنیک‌های تست زدن عربی را از کتاب عربی صد در صد در ۵ جلد (مولف: استاد حسین احمدی) یاد گرفتم و پیشنهاد می‌کنم که همه داوطلبان این کتاب و DVDهای همراه آن را تهیه کنند تا به درصد صد برسند و خود بنده هم با نظارت علمی استاد احمدی کتاب عربی پایه تایپش را نوشتم و چندین DVD آموزشی تصویری روزمره عربی تدریس کردم که شما داوطلبان عزیز می‌توانید از هر نقطه ایران آنها را از استاد احمدی تهیه کنید. (با تشکر: سعید زلوحی جوکار)

اصل کارنامه های آقای جوکار که ۵ بار عربی کنکور سراسری را ۱۰۰٪ زده

جهت خرید محصول و ارتباط با استاد حسین احمدی

تماس: ۰۹۱۲ ۱۹۶ ۵۷ ۰۲ / ۰۹۱۲ ۱۰۰ ۹۶ ۵۶

پیامک: ۰۹۱۲ ۱۹۶ ۵۸ ۰۲

تلفن‌های دفتر مرکزی: ۰۲۱-۶۶۴۰۹۰۹۰ / ۰۲۱-۶۶۴۰۹۰۰۷

گیلنا

تنها کسی که توانست مرا با معدل ۱۵، دانشجوی دکترای پزشکی روزانه سراسری دانشگاه تهران و همکلاس رتبه‌های ۱، ۲ و ۳ کنکور نماید، استاد حسین احمدی بود

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه‌ریز کنکور از ایران / دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: وانسیای اسپانیا 2009 inted/رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیرشده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتابها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه ریز رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو تلویزیونی «کنکور آسان است»، «درس خواندن آسان است»، «طعم مطالعه»، مدیر مسئول گیلنا و رمز زندگی

از همون سال‌های اول تحصیل که وارد دبستان شدم آرزو داشتم جراح مغز و اعصاب بشم پدر و مادرم هم توجه خاصی به تحصیل من داشتند و همیشه پیگیر درس خوندن من بودند کلاس پنجم ابتدایی بودم که یکی از همکارهای مادرم یک معلم خصوصی به ما معرفی کرد با شرکت تو کلاس‌های این معلم تب‌وتاب من برای شرکت در آزمون تیزهوشان آغاز شد پیگیری‌های پدر و مادرم ادامه داشت و من با تلاش بیشتری درس می‌خوندم؛ بالاخره بعد از چند ماه تلاش آزمون فرا رسید اما متأسفانه نتونستم در این آزمون قبول بشم وقتی مادرم این خبر را بهم داد باور نکردم و گفتم باید با چشم‌های خودم ببینم، که حتی یادمه پدرم منو برد به مدرسه راهنمایی شهید اژه‌ای (تیزهوشان اصفهان) و من با چشم‌های خودم دیدم اسمم تو لیست قبولی‌ها نیست و این اولین شکست درسی من بود!!!

دیگه از اون به بعد هیچ انگیزه‌ای برای درس خوندن نداشتم در دوران راهنمایی یک دانش آموز کاملاً معمولی بودم و فکر اون شکست هر روز صبح وقتی وارد مدرسه می‌شدم با دیدن تابلوی مدرسه واسم تازه می‌شد.

دوران راهنمایی سپری شد و وارد دبیرستان شدم: سال اول دبیرستان رو هم پشت سر گذاشتم و برای انتخاب رشته، رشته تجربی را انتخاب کردم بعد از اینکه رشته تجربی را انتخاب کردم همه‌ی شب‌های تابستون وقتی شب می‌خواستم بخوابم به این رشته فکر می‌کردم و ترس از شکست مجدد فکر تغییر رشته را هر شب تو ذهن می‌آورد. بالاخره دوم و سوم دبیرستان گذشت. سال سوم وقتی معدل کتبی دیپلمم رو دیدم شکست دوم را خوردم و باز هم هدفم برام کمرنگ‌تر شد رسیدم به تابستون سال چهارم دبیرستان که با خودم بعد از امتحانات نهایی فکر کردم که دیگه واقعاً باید یک فکر اساسی برای درس خوندنم بکنم اما متأسفانه نتونستم حتی یه دونه از کارهایی را که می‌خواستم، انجام بدم. سال تحصیلی چهارم فرا رسید سه ماه از سال تحصیلی هم گذشته بود و اون موقع بود که فهمیدم حرفایی که بقیه می‌زنن یعنی معلم‌ها و همکلاسی‌هام شاید درست باشه که می‌گن تو چه جوری می‌خوای جراح مغز و اعصاب بشی تو نهایت شانس بیاری پرستاری دانشگاه آزاد قبول می‌شی!! چون من همیشه سر کلاس‌ها می‌گفتم من جراح مغز و اعصابم. یه شب وقتی از کلاس خصوصی خسته برمی‌گشتم تو تاکسی با راننده تاکسی صحبت کردم و به راننده تاکسی وضعیتمو گفتم و راننده گفت با این که من سر رشته‌ای از درس خوندن ندارم اما یه برنامه رادیویی هست خیلی جالبه گوش بده در مورد کنکور حتماً کمکت می‌کنه

من همون لحظه فکر کردم این حرفا حتماً یه نشونه‌ای برای تغییر زندگیمه.

رسیدم خونه و رادیو رو روشن کردم و اولین جمله‌ای که شنیدم این بود کنکور آسان است!! واقعاً کنکور آسان است؟! همه که می‌گن کنکور مثل یه سدّ که باید ازش بگذریم خیلی سخته و مشکله و...

یه علامت سؤال بزرگ تو ذهنم شکل گرفت چه جوری ممکنه کنکور آسون باشه؟! شماره مستقیم استاد اعلام شد بعد از چند بار تلاش تونستم با استاد صحبت کنم و وضعیت خودمو گفتم استاد گفت ابوالفضل می‌خوای رتبه چند بشی گفتم رتبه مهم نیست، پزشکی قبول شوم. گفت ابوالفضل بگو می‌خوام همکلاس رتبه‌ی یک کنکور بشم. گفتم استاد مگه میشه؟! گفت بگو و...

ابوالفضل جوادیه

شماره دانشجویی: کد ملی:

دانشکده: پزشکی مقطع و رشته: دکتری عمومی پزشکی

من سه‌بار داد زدم می‌خوام همکلاس رتبه‌ی یک کنکور بشم می‌خوام همکلاس رتبه‌ی یک کنکور بشم. می‌خوام همکلاس رتبه‌ی یک کنکور بشم. همون شب زنگ زدم به یکی از دوستام که پزشکی دانشگاه تهران می‌خوند به اونم داستان رو گفتم غیر از اون خیلی جاهای دیگه‌ام پرس‌وجو کردم و همه گفتن با این معدل پایین، زمان کم تا کنکور و مشکلات برنامه‌ریزی که داری، فقط و فقط یک نفر می‌تواند تو را به پزشکی برسونه و اون استاد حسین احمدیه و من با استاد برنامه‌ریزی را شروع کردم و او منابع رو در اختیارم گذاشت در مورد تأثیر منابع فقط همین یک خاطره فکر کنم کافی باشه.

«من همیشه سر کلاس‌های فیزیک سؤالات زیادی می‌پرسیدم چون چیزی نمی‌فهمیدم و همیشه بچه‌ها شاکی بودن که ا ینقدر سؤال نپرس حتی بارها معلم‌ها از من خواستن که یا برم بیرون یا ساکت بشینم چون معتقد بودن این کلاس‌ها به درد من نمی‌خوره اما در عرض دو ماه با برنامه و منابعی که استاد در اختیار قرار دادند جوری شده بود که سر کلاس‌ها من سؤال‌ها رو در کم‌تر از ۱۰ ثانیه حل می‌کردم ابوالفضلی که بلد نبود سؤال فیزیک حل کنه الان داشت ذهنی همه سؤال‌ها رو حل می‌کرد جوری شده بود که بچه‌ها جلوی دهن منو می‌گرفتن تا جواب ندم و وقت کنن سؤال‌ها رو حل کنن و این نتیجه خودباوری بود که استاد به من داده بود و در دروس ادبیات، دینی و عربی که خود استاد احمدی تدریس می‌کنند به اوج تست‌زنی رسیدم».

بالاخره با برنامه‌ریزی‌های استاد من تو کنکور هم تونستم عملکرد مناسبی داشته باشم من می‌خواستم پزشکی قبول شوم، هر جا که باشد، سراسری، آزاد یا حتی بین‌الملل، اما به لطف خداوند و برنامه‌ریزی استاد حسین احمدی و لوح‌های فشرده ایشان، دانشجوی دکترای پزشکی روزانه سراسری دانشگاه تهران شدم و همکلاس رتبه‌های ۱، ۲ و ۳ کنکور شدم الان هم که دانشجو هستم از راهنمایی‌های استاد حسین احمدی استفاده می‌کنم.

ان‌شاءا... جراح مغز و اعصاب خوبی بشم در آینده و بتونم به مردم و کشورم خدمت کنم.

ارتباط با استاد احمدی ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶ ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

ارتباط تلفنی و پیامکی ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶ - ۰۲۱-۶۶۴۰۹۰۰۷

گیلنا: گروه یادیار سازان لوح‌های فشرده نشر احمدی

ارتباط تلفنی با استاد احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶